

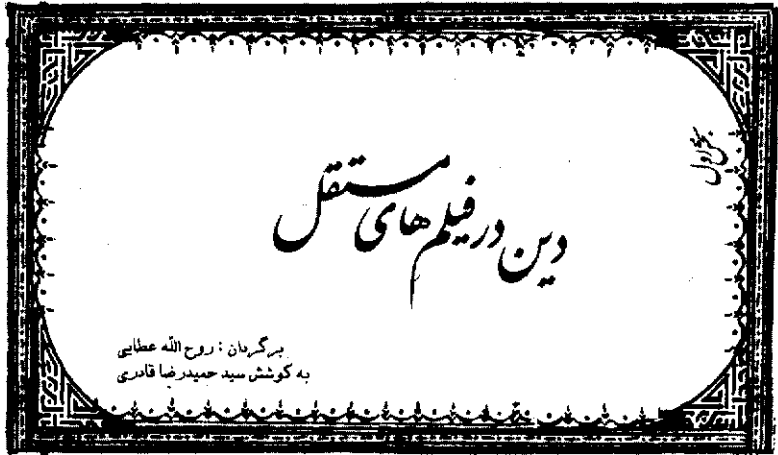


پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل سوم



شکوه علوم انسانی
رساله جامع علوم



اشاره

آنچه در پی خواهد آمد گزارشی بلند است که توسط دو تن از منتقدین و گزارشگران ژورنال مذهب و فیلم، ویلیام بلیزک (William L. Blizek) و روی رامجی (Ruby Ramji) به مناسبت برگزاری جشنواره فیلم ساندنس تهیه شده است. این جشنواره از تاریخ ۱۷ تا ۲۷ ژانویه سال ۲۰۰۸ در پارک سیتی شهر یوتای آمریکا برگزار شد. نظر به اهمیت این جشنواره و فیلم‌های عمدتاً مهجوری که در آن به نمایش درآمدند - که حتی این

گزارش می‌تواند مدیران تامین برنامه‌های شبکه‌های مختلف رسانه ملی را ترغیب به خرید و نمایش برخی از آن‌ها نماید - و همچنین آشنایی خوانندگان ما با مافوق حقایق هنر و اندیشه یا برداشت‌ها و تعاریف منتقدین و ریویونیست‌های غربی از حضور دین در سینما، این گزارش بلند بالا در چند شماره بیایی به چاپ خواهد رسید. به جهت آگاهی بیشتر خوانندگان محترم با سابقه و اهداف گردانندگان این جشنواره، برنامه‌ها، داوران و فیلم‌های



نمایش داده شده در آن، در گوشه و کنار این گزارش سعی می‌کنیم اطلاعاتی درباره این جشنواره ارائه دهیم. تا چه اندازه قبول افتد...

و اما بعد...

قدرت فیلم

قدرت شگفت‌انگیز فیلم را هنگامی که در سالن سینمای محله، به تماشا می‌نشستم، درک نمی‌کردم. پیچ‌پچها، رفت‌وآمدها، سروصداها، تقلاتی که به هوا پرتاب می‌شدند و صدای نوجوانانی که در ردیف آخر، مستخرمه‌بازی درمی‌آوردند، اجازه نمی‌داد فیلم و قدرت آن را حس کنم؛ ولی جشنواره فیلم ساندنس این قدرت را دارد.

این نخستین باری بود که در جشنواره فیلم ساندنس شرکت می‌کردم و این را مدیون ژورنال مذهب و فیلم هستم. در مقام مدیر جدید نقد و بررسی فیلم در ژورنال، تصمیم گرفتم برای نخستین تجربه، تعدادی از فیلم‌ها را تماشا کنم و نقدی بر آن‌ها بنویسم. درست نمی‌دانستم که چند فیلم را باید دید و آیا فیلم‌ها بر من تأثیر خواهند نهاد یا خیر.

طبق معمول، در ابتدای جشنواره، وضعیت آب و هوا اعلام شد. هوا برای من کانادایی یا یک آمریکایی مطبوع بود. در هنگام طلوع خورشید، هوا ملایم بود. عصرها، هوا سرد می‌شد و اندکی برف نیز می‌آمد و فضای پارک‌سیتی را زیبا می‌ساخت.

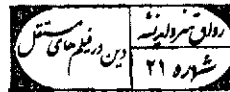
انتظار نداشتم آن همه فیلم، از انواع فیلم‌سازان و با موضوعات گوناگون، در جشنواره حاضر باشند. در جشنواره ۲۰۰۸ ساندنس، ۱۲۱ فیلم بلند حاضر بودند که شامل ۸۷ فیلم جهانی بدون پخش قبلی، ۱۴ فیلم از آمریکای شمالی بدون پخش قبلی و ۱۲ فیلم آمریکایی بود. در مجموع، ۵۵ فیلم‌ساز از ۲۵ کشور، در جشنواره حاضر بودند که ۳۲ فیلم به پخش مسابقه راه یافتند. این فیلم‌ها از میان ۳۶۲۴ فیلم بلند، شامل ۲۰۲۱ فیلم آمریکایی و ۱۶۰۳ فیلم بین‌المللی، برگزیده شدند.

از عظمت جشنواره لذت بردم؛ به ویژه آن‌که بیشتر فیلم‌ها جذاب، پرشور، انسانی و با نگاهی مثبت به زندگی بودند. عظمت جشنواره به اندازه‌ای بود که مرا به تماشای ژانر وحشت و جنایی نیز واداشت. ویژه‌برنامه پارک‌سیتی در نیمه‌شب، ارائه‌دهنده فیلم‌های جنایی و رعب‌آوری چون *دفتر خاطرات مرده*، *اثر جرج رمرو* و *مشت خَر*، به کارگردانی *آلی بلکبرن* بود.

برایم جالب بود که بیشترین توجه جشنواره فیلم ساندنس معطوف به فیلم‌نامه‌نویسان، فیلم‌سازان و منتقدان بین‌المللی بود و جوایز اهدایی فیلم‌های پخش شده در مسابقات سینمایی جهانی، افزایش یافته بود. به نظر، مؤسسه ساندنس دارای نقش کلیدی در حمایت از فیلم‌سازان مستقل است و همزمان، به حمایت از انواع هنر می‌پردازد و آن‌ها را تشویق می‌کند. جشنواره ساندنس می‌تواند با هالیوود قراردادهای کاری داشته باشد؛ ولی بیشتر هزینه خود را صرف فیلم‌هایی با بودجه اندک می‌کند که محتوایشان آن‌گونه نیست که جریان غالب می‌طلبند.

جالب این‌جاست که *کوئینتین تارانتینو* ^۵ آوازه هالیوودی خویش را مدیون پخش فیلمش،

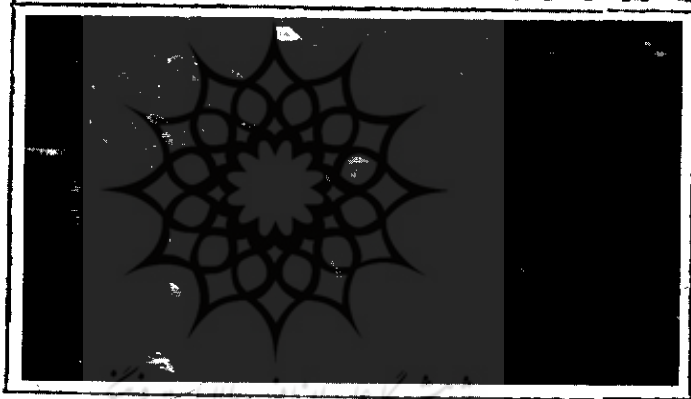
1. Diary of the Dead.
2. George A. Romero.
3. Donkey Punch.
4. Oily Blackburn.
5. Quentin Tarantino.



سگ‌های انباری^۶ در جشنوارهٔ ساندنس سال ۱۹۹۲ است. اکنون، وی عضو هیئت داوران مسابقات هنرهای دراماتیک است و قرار است در جشنوارهٔ امسال، جایزهٔ هنرهای بصری ری تین^۷ از سوی ری تین و ائتلاف هنرهای خلاق^۸ به او اهدا شود.

در گزارش هر سالهٔ ساندنس، بیل بلیزک^۹ از گروه مطبوعاتی، به دلیل کمک‌های فراوانشان، قدردانی می‌کند. پس از جست‌وجو در فهرست مطبوعات و حاضران، دلیل قدردانی او را دریافتم. این گروه با تلاش بی‌وقفه‌شان، موجب می‌شوند ما گزارش‌های دقیقی را در زمان‌های تعیین شده، ارائه دهیم... [چرا] که بدون کمکشان، کار ما بسیار مشکل می‌شد و شما خوانندهٔ محترم نمی‌توانستید دربارهٔ فیلم‌های جذاب مطالعه کنید... اکنون به اجمال، به نقد و بررسی برخی از فیلم‌های این دوره از جشنوارهٔ ساندنس می‌پردازیم.

بخورید! زیرا این بدن من است.^{۱۰}



۱. هنگامی که مسیح، مریدانش را دعوت به خوردن از بدنش می‌کند، در واقع، می‌خواهد به طور نمادین، آن‌ها را جزوی از خود سازد و این عمل را بخشی از رسالت و بصیرتش می‌داند. در این فیلم تجربی، زن سفیدپوست بالنی، بومیان هاییتی را به خوردن از بدنش و نوشیدن از خورش فرامی‌خواند. دخترش نیز به شکل نمادین، از بومیان می‌خواهد تا از بدنش بخورند.

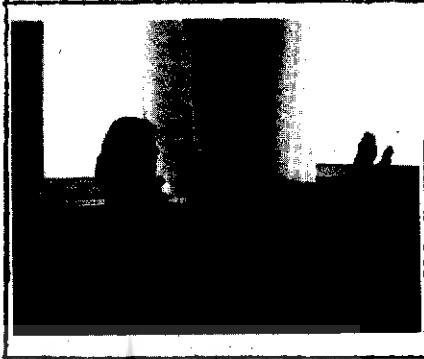
۲. نتیجه‌ای که می‌گیریم، چیست؟ به نظر می‌رسد زن سفیدپوست نمادی از سفیدپوستانی است که رنگین‌پوستان را به استعمار خود درآورده‌اند. استعمارگران از بومیان می‌خواهند عضوی از دنیای استعمارگر سفیدپوستان شوند تا از این طریق، به رستگاری برسند؛ درست مانند مسیح که برای پیروان خویش، رستگاری را موجب شد.

۳. متأسفانه استعمارگران قادر به رستگاری نیستند و دعوت آنان در نزد بومیان، چیزی جز یک وعدهٔ دروغ و متکبرانه نیست.

گیتار^{۱۱}

۱. مرگ، یکی از دلایلی است که به خاطر آن، مردم به مذهب روی می‌آورند. انتظار ما پس از

مرگ چیست؟ چگونه باید با مرگ روبه‌رو شویم؟ مذاهب پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش‌ها می‌دهند؛ کارما، روز رستاخیز، راه‌هایی پوشیده از طلا، آتش و دود و...؛ ولی به نظر می‌رسد مذهب و مرگ مفاهیمی جدایی‌ناپذیر باشند.



۲. در نخستین فیلم بلند ایمی ردفورده^{۱۲} به نام گیتار، موضوع اصلی

مرگ است. شخصیت اصلی فیلم ملودی وایلدر، در صحنه‌های اولیه، پی به سرطانش می‌برد و درمی‌یابد تا دو ماه دیگر، بیشتر زنده نیست. پس از پی بردن به این مطلب، از کارش اخراج می‌شود و دوست‌پسرش او را ترک می‌کند. او، نه تنها با مرگ روبه‌روست، بلکه بسیار تنهاست. از بهترین ویژگی‌های فیلم، محسوس بودن درد و تنهایی ملودی است.

۳. ملودی برای رو در رو شدن با مرگ، آن را مأمونی تصور می‌کند. روش او اندکی غیرعادی است؛ ولی با توجه به شرایط، رفتارش حتی غیرمعمول، ولی باورپذیر است. او با تدارک دیدن مامن خود، به رؤیایپردازی و به یاد آوردن خاطرات کودکی می‌پردازد؛ کودکی که عاشق گیتاری قرمز بود؛ ولی والدینش آن را برایش نمی‌خرند و او مجبور به دزدیدن از یک مغازه آلات موسیقی می‌شود. به هر روی، او دستگیر می‌شود و نمی‌تواند گیتار را برای خود نگه دارد و نواختن بیاموزد.

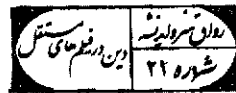
۴. گیتار، نماد آرزوهای از دست‌رفته ملودی است. ملودی در روزهای باقیمانده از عمرش، گیتاری قرمز می‌خرد و نواختن را یاد می‌گیرد. خرید گیتار یکی از تحولات مهم زندگی او و نماد کاری است که او در زندگی، توانایی انجام آن را نداشته است. مرگ، اولویت‌های انسان در زندگی را تغییر می‌دهد و این درباره ملودی، کاملاً درست است.

۵. پیام اصلی فیلم، خوب زندگی کردن برای رویارویی با مرگ است. ملودی با پی بردن به مرگ زود



می‌تواند کارگردان فیلم

11. Guitar
12. Amy Redford.



هنگامش، درد را حس می‌کند؛ زیرا هرگز زندگی خوبی نداشته است. او با ایجاد مأمّن، خوب زندگی کردن را می‌آموزد و در نهایت، مرگ را می‌پذیرد. در فیلم، صحنه‌های درباره‌ی دنیای پس از مرگ وجود ندارد. بنابراین، تمرکز اصلی روی چگونه زندگی کردن در این دنیاست و نه سرای باقی. البته این پیام تازه‌ای نیست؛ چنان‌که پیش‌تر، در بودیسم، یهود یا حتی در داستان *لئو تولستوی*، با نام *مرگ ایوان ایلیچ*^{۱۳} آمده است؛ ولی فیلم این پیام را به روشی جذاب و با بازی خوب *سافرون باروز*^{۱۴} انتقال می‌دهد.

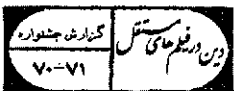
۶ امی ردفوردر ۳۷ ساله، دختر *رابرت ردفوردر*، بازیگر مشهور هالیوود و بنیان‌گذار جشنواره فیلم *ساندنس* و *لولا و لولا* و *واگن* فعال سیاسی و آموزگار است. امی کوچک‌ترین و چهارمین فرزند ردفوردر است ولی هیچ وقت برادر بزرگترش *اسکات* را که در سال ۱۹۵۹ در کودکی فوت کرده، ندیده است. او مسن‌تر از بقیه فیلم‌سازانی است که برای اولین بار در *ساندنس* حضور دارند. وی چندین فیلم کوتاه و تئاتر مدرسه‌ای را در یوتا کارگردانی کرده است. امی ردفوردر خود را فیلم‌ساز نمی‌داند ولی خیلی‌ها در جشنواره ۲۰۰۸ *ساندنس* معتقدند روابط خانوادگی کمک فراوانی به اکران اولین فیلم بلندش، *گیتار* کرده است. او در این باره می‌گوید:



مطمئناً پدرم از آن نوع افرادی نیست که از عده‌ای بخواهد فیلم را پخش کنند. این گونه روابط در *ساندنس* جایی ندارند و البته من هم آن طور آدمی نیستم.

او بیشتر شهرتش را مدیون کارهای صحنه‌ای خود است. اولین برخورد ردفوردر با فیلم‌نامه *گیتار* نوشته *آموس* پو هنگامی بود که نقشی را تجربه می‌کرد. قرار بود او نقش ملودی را بازی کند؛ زنی که بیماری لاعلاجی دارد و دوست دارد با خریدهای فراوان و داشتن رابطه با دیگران نهایت استفاده را از چند روز باقیمانده عمرش ببرد. ولی ردفوردر هر چه بیشتر به پروژه فکر می‌کرد بیشتر علاقه نشان می‌داد به پشت دوربین برود. چرا که ردفوردر دوستانی داشت و دارد که با بیماری‌های جدی مقابله کرده‌اند و کاملاً با این موقعیت‌ها آشناست.

13. The Death of Ivan Ilych.
14. Saffron Burrows.



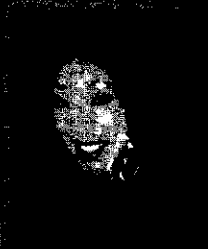
جشنواره فیلم ساندس هر ساله در ایالت یوتا در آمریکا برگزار می‌شود. ساندس بزرگترین جشنواره سینمای مستقل در ایالات متحده است که در ماه ژانویه در پارک سیتی، سالت لیک سیتی، اوگدن، یوتا و محل برگزاری ساندس کار خود را آغاز می‌کند. این جشنواره محل نمایش آثار نخستین فیلم‌سازان مستقل آمریکایی و بین‌المللی است. بخش‌های رقابتی این جشنواره متشکل از فیلم‌های نمایشی و مستند آمریکایی و بین‌المللی و گروهی از بخش‌های غیر رقابتی از جمله جشنواره فیلم ساندس به صورت آن‌لاین است.

ساندس کار خود را در سال ۱۹۷۸ با نام جشنواره فیلم یوتا/ آمریکا آغاز کرد و هدفش جذب فیلم‌سازان به یوتا بود. بنیان‌گذاران این جشنواره استرلینگ ون واگین و چارلز گری آلیسون با ریاست رابرت ردفورد بودند. هدف این جشنواره نشان دادن قدرت فیلم‌های مستقل بود. در آن زمان تمرکز بر روی بخش تعدادی فیلم باز اندیشه‌ها و بحث‌های آزاد فیلم‌سازان بود؛ با این حال تعدادی فیلم ساخته شده، خارج از سیستم هالیوود با عنوان فیلم‌های مستقل را شامل می‌شد.

هیئت داوران جشنواره سال ۱۹۷۸ به ریاست گری آلیسون و عضویت ورنه فیلدن، لینهود گیل دن، کاترین راس، چارلز سلیر پسر، مارک رابدل و آنثا سیلبرت تشکیل شد.

استرلینگ ون واگین جشنواره فیلم را ترک کرد و با کمک رابرت ردفورد موسسه ساندس را بنیان نهاد. در سال ۱۹۸۴ تا ۸۵ موسسه ساندس و در رأس آن استرلینگ ون واگین مدیریت جشنواره فیلم آمریکا را بر عهده گرفتند. در آن زمان موسسه تحت فشار شدید مالی بود. گری بیر و استرلینگ ون واگین هدایت تولیدات افتتاحیه جشنواره فیلم ساندس را در کنار کارگردان برنامه تونی سافورد و مدیر اجرایی جنی والز سلیمی بر عهده گرفتند. در سال ۱۹۹۱ بود که جشنواره رسماً به جشنواره فیلم ساندس تغییر نام پیدا کرد. نام این جشنواره را رابرت ردفورد به‌خاطر بازی نقش ساندس کید در فیلم بوچ کاسیدی و ساندس کید انتخاب کرده است.

در سال‌های آتی عوامل فراوانی به رشد جشنواره کمک کرده‌اند. در درجه اول می‌توان به



حضور بازیگری چون رابرت ردفورد اشاره کرد. ردفورد ساکن یوتا بوده و مدیریت افتتاحیه جشنواره را بر عهده گرفت. از طرف دیگر نام او به اهمیت جشنواره می‌افزود.

دوم این که زمان جشنواره از سپتامبر به ژانویه تغییر پیدا کرد. این تغییر زمانی از اواخر تابستان به اواسط زمستان پیشنهاد سینمای بولاک کارگردان هالیوودی بود. به اعتقاد او برگزاری جشنواره فیلم در محل اسکی در طول زمستان بر جذابیت برنامه‌ها خواهد افزود.

بسیاری از کارگردانان مستقل از جمله کوین اسمیت، رابرت رودریگوئز، کوییتین تاراتینو، پل توماس اندرسون، استیون سودربرگ، جیمز وان و جیم جارموش اولین حضور جدی خود را در ساندس تجربه کرده‌اند. هم‌چنین این جشنواره باعث شد فیلم‌هایی مانند: *اره*، *پرورده جادگر بلر*، *سگ‌های انباری*، *بانوی سان‌شاین کوچک*، *آل ماریاجی*، *سکس*، *دروغ و نوار ویدیو* و... بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

با شروع سال ۲۰۰۶ موسسه ساندس با همکاری آکادمی موسیقی بروکلین به حمایت از برنامه‌هایی مانند دوره‌های فیلم‌نامه‌نویسی، اجرا، بحث‌های آزاد و غیره پرداختند و توانستند فعالیت‌های موسسه و برنامه‌های جشنواره را در نیویورک نیز ادامه دهند.

شرکت در جشنواره و مشاهده فیلم‌ها می‌تواند سخت باشد. در سال ۲۰۰۸ جشنواره مبلغ ۵ دلاری ثبت نام برای خرید مجوز عبور و بلیط را حذف کرد. این مسئله منجر به درخواست‌های فراوان شد و بیش از چهار هزار نفر درخواست قبلی‌شان برای ثبت نام رد شد.

در چند دهه اخیر جشنواره از محیطی با بودجه کم و فیلم‌سازان مستقل در خارج از هالیوود تبدیل به رسانه‌ای پر زرق و برق با حضور بزرگان سینما، بازیگران، کارگردانان استودیوهای مشهور، روزنامه‌ها، خبرنگاران جنجالی و کمپانی‌های ثروتمند شده است. در سال‌های اخیر جشنواره سعی کرده است خود را از این برنامه‌های جانبی دور کند و در سال ۲۰۰۷ شعار تمرکز بر فیلم را به دکمه‌های پیراهن کارگردانان حک کرد.



زندگی بسیار ساده ای داشته‌ام. زیاد از شهرت خوشم نمی‌آید. همیشه من و پدرم دعای سفره می‌خوانیم. خوب یا بد هر کسی مشکلات خاص خودش را دارد. من معمولاً آدم احساساتی هستم.

ردفورد برای نقش ملودی، سافرون باروز را انتخاب کرد که پیش از این چندین نقش نمایشی، سینمایی و تلویزیونی را در کارنامه خود داشته است. او در جریان ساخت فیلم با مشکل حضور برهنگی و سکس در فیلمش روبه‌رو بود که سانسورچیان آمریکایی به آن حساس هستند. او درباره میزان همکاری پدرش در جریان ساخت فیلم می‌گوید:

هنگامی که گیتار را می‌ساختم پدرم در حال ساختن شیره‌ها برای بره‌ها بود و در طی کار چندین داستان جنگی را از نظر گذراندم. سوالاتی هم رد و بدل می‌شد. حالت چطور؟ هنوز نخوابیدی؟ نه؟ خیلی عالی که پدزت به تو بگه می‌دونم داری چی‌کار می‌کنی. فکر می‌کنم از پدرم یاد گرفتم چطوری داستان را طوری روایت کنم که همه باور کنند. طوری که وقتی همه چی‌ساشون رو خوردند به فیلمت بیش از هر چیز دیگه‌ای فکر کنند.^{۱۵}

حریق ۱۶

۱. حریق، ساختهٔ شارون مگوایر،^{۱۷} احتمالاً فیلمی ضد دین است. فیلم، بیشتر دربارهٔ روح انسان است تا روح مقدس و سرانجام، روح انسان بر دین افراطی، یعنی همان جهاد اسلامی^{۱۸} آسامه بن لادن، غلبه می‌یابد.

۲. داستان فیلم دربارهٔ مادری جوان است که نامه‌ای به بن لادن می‌نویسد در فیلم، نامه با صدای زن خوانده می‌شود و محتوای آن به گلایهٔ زن جوان از تروریسم ناشی از رفتار بن لادن و دیگر مذهبی‌های افراطی اشاره دارد که چگونه



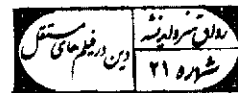
تروریسم، زندگی روزمرهٔ مردم را تحت تأثیر قرار داده است؛ مردمی که معصوم و بی‌گناه هستند. این نامه لایه‌ای را به معنای فیلم می‌افزاید که در داستان فیلم، وجود ندارد.

۳. زن جوان همسر یکی از اعضای جوخهٔ بمب‌گذاران لندن است. بنابراین، از نزدیک، با بمب‌گذاری‌های تروریستی لندن آشناست. او هر وقت، حال شوهرش را هنگام برگشتن به خانه می‌پرسد، پاسخی جز من اینجایم، سالم نه؟^{۱۹} نمی‌شنود. بمب‌گذاری‌های لندن، هر روز، زندگی زن را تهدید می‌کند.

۴. روزی، همسر و پسر زن جوان برای تماشای یک مسابقهٔ فوتبال مهم، به استادیوم می‌روند؛

۱۵. بند شش در گزارش ژورنال منتخب و فیلم نبوده و جزو ملاحظات به گزارش می‌باشد که از دیگر منابع بدست آمده است (مترجم)

16. Incendiary
17. Sharon Maguire.
18. Islamic Holy War.
19. I'm here, aren't I?

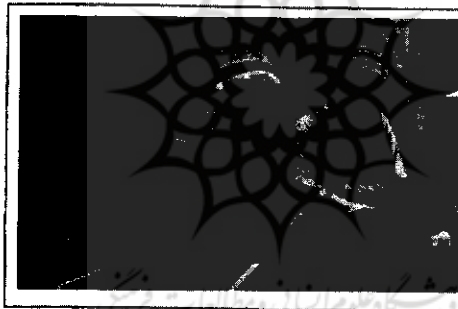


ولی هر دو، در انفجار بمب، کشته می‌شوند. ادامهٔ فیلم به حزن و اندوه زن می‌گذرد. در این میان، زن با پسر بمب‌گذار که هویتش توسط یکی از روزنامه‌نگاران فاش شده، ارتباط برقرار می‌کند. او، هم‌چنین با روزنامه‌نگار و رئیس همسرش ارتباط دارد.

۵. در پایان فیلم، او با همه قطع رابطه می‌کند؛ روابطی که برای تسکین اندوهش مفید بودند؛ ولی به ناگهان، بی‌می‌برد که از یکی از آن مردها، بچه‌ای را آبستن است. در صحنه‌های پایانی فیلم، او فرزند خود را به دنیا می‌آورد و ما صدای گریهٔ بچه را می‌شنویم. در نامه‌اش به بن لادن، می‌نویسد که صدای گریهٔ بچه‌ام که نماد بشریت است، صدای بمب‌های تو را خفه می‌کند و مهم نیست چه تعداد بمب، متفجر شوند. روح انسان بر تروریسم ناشی از دین افراطی غلبه خواهد کرد.

زبان‌شناسان^{۲۰}

۱. زبان‌شناسان، داستان دو زبان‌شناس است که برای احیای زبان‌های رو به فراموشی، دور دنیا سفر می‌کنند. حدود هفت‌هزار زبان در دنیا وجود دارد؛ ولی هر دو هفته، یک زبان از بین می‌رود. از بین رفتن زبان‌ها، زبان‌شناسان را مجبور به تلاش بیشتر می‌کند.



۲. بیشتر فیلم دربارهٔ زبان است و زبان‌شناسان، با سفر به روستایی کوچک در بولیوی، به یادگیری بیشتر دربارهٔ زبان کالوویا^{۲۱} می‌پردازند. از آنان خواسته می‌شود پیش از آغاز صحبت، در مراسم شفای بومیان شرکت کنند.

۳. این فیلم فرصت خوبی برای تماشای این آیین بومی است؛ آیینی که همراه با قربانی کردن خون، آتش و شخصیتی کشیش‌مانند است. در این‌جا، درمی‌یابیم که زبان شفادهنده^{۲۲} نامفهوم است و همین امر موقعیت او را در روستا، برجسته می‌سازد. هم‌چنین دربارهٔ پیوند میان زبان و فرهنگ و سپس زبان و دین، نکاتی را می‌آموزیم.

پری دریایی^{۲۳}

۱. پری دریایی داستان دختری جوان، به نام آلیسا است که بزرگ شده و عاشق می‌شود. او توان تحقق آرزوهایش را دارد. در طول فیلم، آلیسا توسط قدرتی نامرئی، در برابر مشکلات، مراقبت می‌شود.

۲. وی با رفتن به مسکو، تبلیغاتی را می‌بیند که مردم دعوت به کنترل زندگی خود شده‌اند؛ زیرا مردم هستند که موجب رویدادی می‌شوند یا مسئولیتی را می‌پذیرند. به یک معنا، این فیلم داستان

20. Linguists.
21. Kallowaya.
22. healer.
23. Mermaid.

مردمی است که لحظه را از آن خود می‌کنند و از فرصت‌ها، نهایت استفاده را می‌برند. در پایان، سرنوشت وارد عمل می‌شود و پیام فیلم تا آن لحظه را زیر سؤال می‌برد؛ هم‌اکنون نیز زندگی ما را کنترل می‌کند. ما تصور می‌کنیم که تعیین‌کننده وقایع، خودمان هستیم؛ ولی در نهایت، همه در کنترل سرنوشتیم.



۳. درباره داستان فیلم، به دلیل پیچیده بودن، زیاد نگفتیم. داستان سیری روایی دارد و نحوه بیان آن بسیار زیباست؛ به گونه‌ای که ما عاشق آلیسا می‌شویم، از موفقیتش، خوشحال و با او نومید می‌گردیم.

۴. به هر روی، پیام فیلم همان است که بود. یا این که انسان تصور می‌کند بر زندگی‌اش مسلط است، سرانجام، سرنوشت است که پیروز می‌شود.

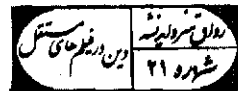
توتیب اسطوره‌ها^{۲۴} ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (مستند)

۱. از سال ۱۷۰۳ تاکنون، مراسم *ماردی گراس*^{۲۵} در منطقه موبایل در *آلاباما*، برگزار می‌شود. این مراسم از ارزش نمادین فراوانی برخوردار است و دربرگیرنده آداب و رسوم دو اجتماع جدا از هم است که به واسطه نژادشان، دور از یکدیگر هستند. محل‌های



خصوصی و عمومی برگزارکننده مراسمی هستند که باید در انظار افرادی ویژه برگزار شود. اگر چه

24. Order of Myths
25. The carnival of Mardi Gras.



همه افراد شهر موبایل، در مراسم ماردی گراس شرکت می‌کنند، جشن‌ها به گروهی ویژه از افراد اختصاص دارد که در شهر موبایل و در زمانی واحد، با یکدیگر زندگی می‌کنند. در این مراسم، گذر زمان اهمیت دارد و روش‌های گوناگون برگزاری آیین و مناسبت آن، مورد توجه فراوان است.

۲. در واقع، یک ماردی گراس سفید وجود دارد که از سوی انجمن جشن‌های موبایل، سازماندهی می‌شود و یک ماردی گراس سیاه وجود دارد که انجمن ماردی گراس منطقه موبایل آن را می‌گرداند و هر دو، سالانه، در منطقه موبایل برگزار می‌شوند. این جشن شامل شاعری است که در بالاترین درجه، فعالیت‌هایی چون تاج‌گذاری شاه و ملکه ماردی گراس، انتخاب اعضای دربار سلطنتی، رژه رفتن و مجلس رقص را شامل می‌شود. این فعالیت‌ها دارای ارزشی نمادین است که از طریق آداب و رسوم و به طور موروثی، انتقال یافته است. افراد حاضر در مراسم برآنند که در طول زمان، عاملی بیرونی موجب دوام مراسم بوده است و باید اهمیت آن را گرامی داشت.

۳. اگر چه آداب و رسوم انجام شده در این فیلم مستند، فی‌نفسه احترامی برای الوهیت قایل نیست؛ ولی به گونه‌ای ایدئال، بیانگر دیدگاه‌های هر دو گروه، درباره برگزاری مراسم در عالی‌ترین سطح خود است. به‌رغم این که هر دو گروه دارای ارزش‌ها و باورهایی مشترک هستند، در نتیجه، به دلیل هویت به دست آمده از طریق مراسم ماردی گراس، شاهد جنابایی تقریبی هستیم. بهره‌برداری سیاسی^{۲۶} این شاعر مشخص است و با جلو رفتن داستان، پیچیدگی آن، بیشتر دانسته می‌شود.

۴. به جز جشن، پیوند درونی تاریخی‌ای وجود دارد که به هلن میهر،^{۲۷} ملکه انجمن جشن‌های موبایل و اجداد برده‌دار وی باز می‌گردد. از سوی دیگر، استفنی لوکاس،^{۲۸} ملکه انجمن ماردی گراس در منطقه موبایل، دارای اجدادی در بند و برده بوده است که توسط خانواده میهر، به منطقه موبایل آورده شده‌اند. خانواده او مالک زمین‌هایی هستند که زمانی، از آن برده‌ها بوده است. با آشکار شدن این روایت تاریخی، پی می‌بریم که شاه و ملکه انجمن سیاه، به مراسم تاج‌گذاری شاه و ملکه انجمن سفید فراخوانده شده‌اند؛ واقعه‌ای تاریخی که ادغام هر چند سطحی شاعر دو گروه را در بر می‌گیرد.

۵. دووان لوس،^{۲۹} پذیرزگ کارگردان، یکی از اعضای فرقه‌های محرمانه قدیمی در منطقه موبایل، یعنی فرقه اسطوره‌ها و اعتصابیون^{۳۰} است. به‌رغم فوق‌محرمانه بودن این فرقه‌ها، او دوست دارد دیدگاه‌های خود درباره آداب و رسوم جشن‌های ماردی گراس را در اختیار دیگران قرار دهد.

۶. از نگاه فیلم، سازمان‌هایی چون کوکلوکس کلان^{۳۱} (KKK) هنوز در موبایل، حضور قدرتمندانه‌ای دارند و این سازمان‌های محرمانه، در آنجا گسترش یافته‌اند و روزبه‌روز، بیشتر

26. The political exploitation.

27. Helen Meaher.

28. Stefannie Lucas.

29. Dwane Luce.

30. the Order of Myths and the Strikers.

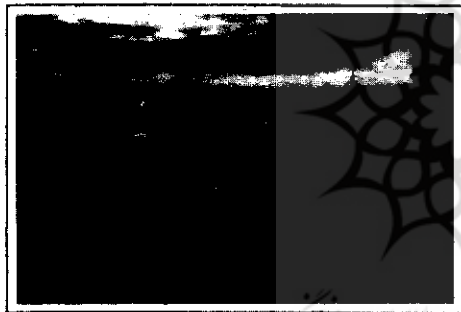
۳۱. این نام در تاریخ آمریکا به گروهی اشاره می‌شود که طرفدار برتری نژادی سفیدپوستان بر سیاهپوستان بودند و در تاریخ آمریکا، اقدامات خون‌باری را در راستای باورهای خود، رقم زدند (استرجاع).

می‌شوند. به هر روی، در فیلم، بارقه‌ای از امید وجود دارد؛ جایی که ملکه و پادشاه جشن‌های ماردی گراس، شکوه و عظمت را هر چند برای ساعتی، با دیگران تقسیم می‌کنند. مراسم ماردی گراس در منطقه موبایل، همچنان رسمی پابرجاست و ریشه در آداب و رسوم و گذشته منطقه دارد. متأسفانه یکی از رسوم تلخ، جدایی دو گروه از یکدیگر است؛ ولی هر دو طرف، نگاهی مقدس به این مراسم دارند. برای نمونه، آیین ماردی گراس در نیواورلئان، دو گروه را در یک روز، به یکدیگر می‌رساند تا این که همه، با حقی برابر، از این آیین لذت ببرند؛ ولی در موبایل در آلاباما، این آیین به سنتی تفرقه‌افکن بدل شده است.

بازیافت ۳۲

(مستند)

۱. این فیلم *آردنی* به زندگی *ابوعمار* می‌پردازد. عمار از راه جمع‌آوری مقواهای باطله در سطح شهر *زرقه* و فروش آن‌ها به مراکز بازیافت، امرار معاش می‌کند. نام فیلم نیز به همین دلیل بازیافت، برگزیده شده است. زرقه



محل تولد *ابومصعب زرقاوی* است که روزگاری، سرکرده القاعده در بین‌النهرین بوده است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه دین، تروریسم، سیاست و فقر فضایی آکنده از نفرت و بی‌قانونی ایجاد می‌کنند.

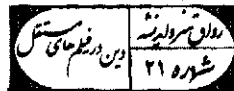
۲. عمار می‌کوشد مسلمان خوبی

باشد؛ ولی به صحبت‌هایش درباره سیاست نمی‌اندیشد. بنابراین، او را به عنوان مظنون، دستگیر می‌کنند یک آدم عادی، اکنون، عضوی از جنگ عظیم جهانی بر ضد تروریسم است و باید زادگاهش را ترک کند.

۳. در داستان زندگی عمار، پی می‌بریم که جنگ تروریست‌ها با غرب، در واقع، جنگ فرقه‌های اسلامی افراطی با یکدیگر است. جهاد در درون اسلام، معنایی بیش از جهاد علیه غرب دارد. همچنین درمی‌یابیم که زرقاوی که بزرگ شده منطقه عمار است، تا پیش از پذیرفتن جهاد، فردی مذهبی نبوده است. حال، آیا زرقاوی در ابتدا، مذهب را پذیرفته و سپس، به جهاد آن روی می‌آورد یا ابتدا به جهاد می‌پردازد و آن گاه، برای توجیه عمل خویش، از دین بهره می‌گیرد؟ این مسئله نشان می‌دهد که می‌توان از دین، در راستای اهدافی غیردینی بهره جست.

۴. اگر به داستانی واقع‌گرا و ملموس درباره تروریسم و دین علاقه‌مند هستید، این فیلم به شما

32. Recycle:



می آموزد که چگونه مشکلات خویش را مطرح کنید.

فورم ۳۳

۱. از دیدگاه من، موضوع اصلی این فیلم انتقام است. آری؛ درباره انتقام است و همچنین درباره شیطان. فیلم، به خوبی توانسته است نماد شیطان را نشان دهد؛ به گونه‌ای که از مسئله انتقام، بیشتر خودنمایی می‌کند.

۲. مردی سال خورده، به نام *آوری* در حال ماهیگیری با سگ چهارده ساله خود، رد است. نام فیلم همان نام سگ است؛ ولی *رد* (قرمز) نماد خون شخصیت‌های فیلم است و از صحنه‌ای به صحنه دیگر، صحنه را می‌پوشاند. *آوری* و *رد* به دست سه پسر نوجوان می‌افتند که پول می‌خواهند. *آوری* هر چه دارد، به آن‌ها می‌دهد؛ ولی پسرها ارضا نمی‌شوند و یکی از آن‌ها، با کمال بی‌شرمی، *رد* را با تفنگ می‌کشد.

۳. از این لحظه به بعد، *آوری* به

دادخواهی می‌پردازد و نه انتقام. او با منطق خویش، موضوع را پیگیری می‌کند، نه با عصبانیت. از پسرها می‌خواهد به کرده خویش اعتراف و معذرت‌خواهی کنند. ما، حاضران با او همدردی می‌کنیم. پرونده *آوری* توسط پدر دو تا از پسرها بسته می‌شود. خانواده پسر سوم در ازای



مبلغی، سکوت اختیار می‌کنند. دادستان منطقه از پیگیری پرونده جلوگیری می‌کند. حاضران، بی‌درنگ پی می‌برند که این به دلیل قدرت پدر پسرهاست. شبکه‌های تلویزیونی دیگر خبری در این زمینه، پخش نمی‌کنند و هنگامی که گزارشگری به پیگیری ماجرا می‌پردازد، او را به شهر و ایالتی دیگر انتقال می‌دهند.

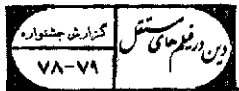
۴. *آوری* مجبور می‌شود به دادخواهی ادامه دهد. در پایان، دو پسر در اثر حمله به او، کشته می‌شوند؛ ولی او به گزارشگران می‌گوید که چون به دادخواستش رسیدگی نشد، دادخواهی به انتقام‌جویی بدل گشت و نتیجه انتقام‌جویی او، کشته شدن دو پسر است:

و خلأوند می‌گوید، به درستی که انتقام از آن من است.^{۳۷}

آوری این نکته را دیر می‌فهمد و با این که ما با او همدردی می‌کنیم، می‌دانیم راه را نیز اشتباه رفته است.

۵. پسری که به *رد* شلیک کرد و پدری که از او نگهداری کرد، نماد شیطان هستند. این یکی از

33. Red.
34. Vengeance, really is "mine, sayeth the Lord."



بهترین نمادهای شیطانی است که تاکنون دیده‌ام. این شخصیت‌ها رقبای خوبی برای کوین اسپیسی،^{۳۵} در فیلم هفت^{۳۶} و شخصیت پدر بی‌بندوبار، در فیلم کشیش^{۳۷} هستند. در این فیلم، پیامی دربارهٔ خیر و شر یافت می‌شود؛ ولی به نظر من، تجربهٔ شیطان، مهم‌ترین عنصر فیلم است. این‌که با شیطان رودررو شویم و چشم در دیدگانش بنویسیم، مهم‌تر از پرداخت فرضی شخصیت شیطان است. یکی از شرایط رودررو شدن با شیطان، شناخت اوست و در فیلم، رد این فرصت را به ما می‌دهد.

تیر و گمان و هیپ هاپ^{۳۸}

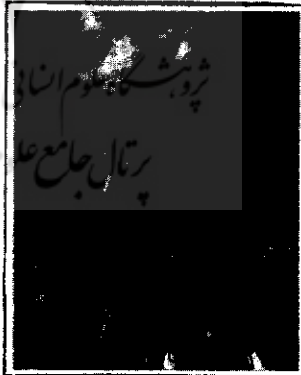
(مستند)

۱. موسیقی رپ، همواره بسته به خواننده‌اش، دارای معانی تلویحی متنوعی بوده است. هیپ هاپ برای جوانان فلسطینی ساکن اسرائیل، غزه و کرانهٔ باختری، پدیده‌ای تازه است که بسیاری از موسیقی‌دانان این مناطق آرزوی موفقیت در آن را دارند.

۲. تامر نخستین رپ‌خوان عرب است که با ترانهٔ توپاک، با نام آهای! اگه صدامو می‌شنوی،^{۳۹} مطرح شد. تامر، سوخی و جوکز نخستین گروه رپ‌خوان فلسطینی، به نام دام^{۴۰} را تشکیل دادند.

۳. بعد از ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۰۰، اشغال کرانهٔ باختری آغاز شد و سیاست به منازل همه راه یافت. تامر نخستین ترانهٔ سیاسی خود، به نام تروریست کیست؟^{۴۱} را به عربی نوشت. به نظر او، می‌توان با موسیقی رپ و نه خشونت، به کودکان مناطق اشغالی کمک کرد.

۴. معنای هنر قدرتمندتر از خشونت را می‌توان به نحو احسن در این فیلم مستند یافت. رپ‌خوانان جوان که دیوارها و ایست بازرسی‌ها آن‌ها را از هم جدا کرده است، از طریق ترانه‌هایشان، با یکدیگر مرتبط می‌شوند و مانند فعالان منطقه‌ای^{۴۲} عمل می‌کنند. دختران جوان نیز



- 35. Kevin Spacey.
- 36. Seven.
- 37. Priest.
- 38. Slingshot Hip Hop.
- 39. Halla if you Hear Me.
- 40. DAM.
- 41. Who's the Terrorist?
- 42. community activists.

دوست دارند از طریق رپ، از حقوق خویش دفاع کنند.

۵. در پس داستان این رپ‌خوانان، زندگی فلسطینی‌هایی را می‌بینیم که گرفتار اشغال، دیوارها، سیاست و گاه آداب و رسوم مذهبی شده‌اند. برای نمونه، *آبیر زیناتی*^{۴۳} زن رپ‌خوان و خانواده‌اش، از سوی دیگر خانواده‌ها تهدید می‌شوند؛ زیرا به باور آنان، آواز خواندن یک دختر جوان و رقصیدن روی صحنه، غیراخلاقی است.

۶. زبان نیز نقشی اساسی در این مستند دارد. هنگامی که تامر، نخستین رپ‌خوان عرب، خواندن را به انگلیسی آغاز می‌کند، معتقد است که رپ، به دلیل محبوبیتش، باید به زبان انگلیسی باشد. به هر روی، نخستین ترانه سیاسی او به زبان عربی است. همگی رپ‌خوانان پس از او نیز به دلیل حفظ هویتشان، ترانه‌هایی به عربی خوانده‌اند. جالب است که در زیرنویس واژه *God*، خداوند نمی‌آید؛ ولی در ترانه‌ها، بارها عبارت *این شاء الله* به کار می‌رود که همان معادل *God willing* در زبان انگلیسی^{۴۴} است.

۷. این مستند نشان می‌دهد که چگونه رپ‌خوانان با مسائلی چون تبعیض، حملات نظامی و فقر شدید روبه‌رو هستند؛ ولی می‌توانند خشم و آرزوی صلح را از طریق آهنگ‌هایشان، انتقال دهند و به نسل جدید امید به زندگی ببخشند. در هنگام ساخت این فیلم، دو رپ‌خوان به دلیل پرتاب سنگ به طرف جیب‌های اسرائیلی، دستگیر شدند. یکی از آن دو، در حالی که کنار *دیوار حائل*^{۴۵} ایستاده است، می‌گوید:

همه دیوارها در دنیا فرو ریختند و این دیوار به همان سرانجام دچار خواهد شد.

رپ‌خوانان با کلمات می‌جنگند، نه با سنگ.

پی‌گانه‌گان^{۴۶}

۱. این فیلم بسیار جذاب، هوشمندانه، دقیق و درنفاک است. *آیال* در مسیر خود به برلین، به طور تصادفی، با *رانا* آشنا می‌شود هر دوی آن‌ها به تماشای بازی نهایی جام جهانی می‌روند. *آیال* اسرائیلی و *رانا* فلسطینی و متولد *رام‌الله* است که اکنون، در پاریس زندگی می‌کند. آن‌ها برای مدتی کوتاه، در آپارتمانی زندگی می‌کنند و در مدت سه روز، عاشق یکدیگر می‌شوند. اگر فکر می‌کنید این بخش از فیلم، کمی احساساتی است، باید بگویم که عاشق شدن آن‌ها، به گونه‌ای

43. Abeer Zinati.
44. North Americans.
45. Immense walls.
46. Strangers.

باورپذیر، به تصویر کشیده شده است؛ به گونه‌ای که نه تنها شخصیت‌ها عاشق همدیگر می‌شوند، بلکه ما نیز عاشق آیال و رانا می‌شویم.

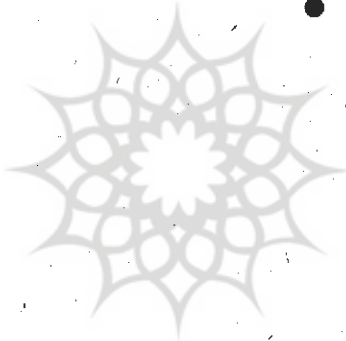
۲. در پی تماسی، رانا مجبور به ترک آلمان می‌شود و از آیال می‌خواهد دیگر با او تماس نگیرد. آیال نمی‌تواند او را رها کند. از این رو، تا پاریس به دنبالش می‌رود و پی می‌برد که او پسر کوچکی به نام رشید دارد. صحنه‌ای که آیال مشغول صحبت تلفنی با پدرش و رانا با دوستش است، به خوبی نشان‌دهنده بیگانگی آن‌ها با یکدیگر است. پدر آیال در مورد راکت‌هایی می‌گوید که لبنان بر سر اسرائیل می‌ریزد و اسرائیل آن‌ها را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و دوست رانا اطلاعاتی متناقض با آن چه پیش‌تر گفته شده، به او می‌دهد.

چطور دو فرد از دو دنیای متفاوت، عاشق یکدیگر می‌شوند و به یکباره، باهم غریبه می‌شوند؟ بدون فهمیدن داستان فیلم، نمی‌توان خط داستانی را طی کرد.

۳. پرسش مهم از دیدگاه ژورنال این است: ارتباط فیلم با دین چیست؟ یک یهودی اسرائیلی و یک مسلمان فلسطینی عاشق یکدیگر شده‌اند چگونه این فیلم را نمی‌توان به دین ارتباط داد؟ در این‌جا، به یاد رمبو و ژولیت یا حتی داستان‌های کرانه باختری می‌افتیم که جنبه‌هایی از فرهنگ، میان عاشق و معشوق، دوری می‌اننازد. به نظر ما، [در این فیلم] دین، آن‌ها را از هم دور می‌سازد.

۴. ولی شگفت است که پای دین در میان نیست. خارج کردن دین از این فیلم، عمدی به نظر می‌رسد. انتظار ما در فیلم برآورده نمی‌شود. مسائلی که موجب دور افتادن آیال و رانا از یکدیگر می‌شود، بیشتر قومی، ملی، تاریخی، شخصی، سیاسی و حتی اخلاقی است، نه مذهبی. در آمریکا، عقیده بر این است که جنگ علیه ترور، جنگ میان اسلام و دنیای غرب است. مسیحیان اصولگرا، به همراه جرج بوش و اسامه بن لادن، معتقدند که این جنگ میان اسلام و مسیحیت است و بسیاری از مسیحیان آمریکایی همین امر را دستاویزی برای رویارویی اسرائیل با دشمن اسلامی‌اش کرده‌اند؛ ولی بیگانگان نشان می‌دهد که مقوله دین نقش چندانی در آشوب‌های خاورمیانه ندارد. البته محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران خواستار اخراج یهودیان از خاورمیانه

شده^{۳۶} و اکنون، شاهد نزاع میان شیعه و سنی، در عراق هستیم. دین تا چه اندازه در این آشوب‌ها و دشمنی‌ها نقش دارد و چه میزان از آن، ناشی از پیوندهای قومی، تاریخی، داشتن زادگاهی امن، حس انتقام و غیره است؟ بیگانگان روابط پیچیده میان دشمنان در خاورمیانه و نقش دین در این جنگ‌ها را به خوبی نشان داده است. آیا عاشق و معشوق می‌توانند بر مشکلاتی که آن‌ها را از هم دور ساخته، غلبه کنند؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳۶ این جمله به خوبی نشانگر نوع تحریف رسانه‌ای سخنان رئیس‌جمهور ایران، درباره مسئله فلسطین، هوادار است و یهودیان اسرائیل است (پتراجی) * فیلسوفانی همچون فاولیجا در دفتر ماغامه موجود است.



ژورنال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Journal of Humanities and Social Sciences Research



